



## گفتمان رسانه‌های عربی و اسلامی برای افکار عمومی غرب المخاطبه

محمد جاسم العلی  
(عضو هیات‌مدیره شبکه تلویزیونی الجزیره)

ژورنال علم‌انسانی و مطالعات فرهنگی

سیاست‌های رسانه‌های عربی آشکار شده است و هزینه‌های سرسام‌آور پرداخت‌شده به این شبکه‌ها همگی به هدر می‌رود. افزون بر این، گفتمان رسانه‌های ما رسمی، خشک، فاقد تنوع و روحیه باز و نیز منابع اندک آن همگی رسمی است. مثلاً هنگامی که از مقامات کشورهای ما خواسته می‌شود تا نظر خود را درباره مسأله‌ای ابراز دارند، پاسخ می‌دهند که ما پیش‌تر از این‌ها موضع خود را اعلام کرده‌ایم، در حالی که یک مقام مسؤول غربی از تکرار نظر خود در هر زمان و مکان ابراز خستگی نمی‌کند. افکار عمومی غرب، تشنه شناخت و دریافت حقایق از منابعی غیر از منابع مشکوک و دارای صحت و شفافیت‌اند، زیرا برای آن‌ها مهم است که از روی داده‌های جاری در منطقه به‌دلیل اهمیت اقتصادی، دینی و سیاسی آن‌ها آگاه و مطلع شوند. شاهدیم که غرب از همه رسانه‌های موجود از قبیل ایستگاه‌های تلویزیونی، رادیویی، خبرگزاری‌ها و حتی فیلم‌های داستانی‌ای که چارچوب تاریخ را از نظرگاه غربی تغییر می‌دهند، در تحمیل دیدگاه‌های خود بر جهانیان بهره می‌گیرد، ولی ما در جهان عرب دقیقاً عکس این معادله را برقرار کرده‌ایم، یعنی هیچ ابزاری برای تأثیر بر مخاطب غربی در دسترس نداریم، جز نشست‌هایی که با حضور وزرای ما برگزار می‌شود.

چگونه با افکار عمومی غرب به گفت‌وگو (المخاطبه) بپردازیم و ارتباط برقرار کنیم؟

یکی از پیامدهای حوادث یازده سپتامبر و حمله به عراق، این است که کم‌کم در رسانه‌های گروهی‌مان، میزانی از تفکر صحیح و ایده‌های جسورانه را در روند برقراری ارتباط با افکار عمومی غرب که اطلاعات خود را از منابعی ضد و مخالف با جهان عرب و مسلمانان کسب می‌کنند، شاهدیم. چه‌بسا این معضلات و مشکلات تاریخی، رحمتی الهی باشد تا پایه‌های نظام رسانه‌های عربی و شیوه‌های ضعیف و افکار بسته به آن را بلرزاند.

بگذارید پیش از فوت وقت، اولویت‌های رسانه را رتبه‌بندی کنیم. ما فقط نه با در اختیار داشتن شبکه‌های ماهواره‌ای، بلکه با نوسازی و تجدید گفتمان متناسب با فرهنگ غربی می‌توانیم ادعای گفت‌وگو و برقراری ارتباط با افکار عمومی غرب را سر دهیم.

باید گفت که بینندگان شبکه‌های عربی موجود در فضای غرب، تنها اقلیت‌های عربی مقیم آن کشورها و معتقد به آرمان‌های ما هستند. البته این شبکه‌ها توان تأثیرگذاری بر افکار عمومی غرب را دارند و با حضور آن‌ها، تنها بر شمار شبکه‌های عربی موجود در جهان عرب افزوده شده است.

بدین ترتیب با آشفستگی گفتمان رسانه‌های ما در غرب، اختلاف

افکار عمومی غرب، تشنه شناخت و دریافت حقایق از منابعی غیر از منابع مشکوک و دارای صحت و شفافیت اند، زیرا برای آن‌ها مهم است که از روی داده‌های جاری در منطقه به دلیل اهمیت اقتصادی، دینی و سیاسی آن‌ها آگاه و مطلع شوند



که برای بیننده دارند، اولویت‌بندی می‌شوند و بیننده غربی هیچ توجه و التفاتی به شعارها نمی‌کند.

حال به سراغ مسأله خودمان برویم: ما در جهان عرب باید چگونه به جهان بنگریم؟ پاسخ این پرسش، پایه و اساس گفتمانم را تعیین، هدف آن را تبیین و عمل کرد مسؤولان را در چارچوب این گفتمان، تسهیل می‌کند.

شبکه خبری الجزیره، با آزاد کردن گفتمان خود از قیدوبندهای رسمی، اتکا بر جدیدترین روش‌های سردبیری و پخش و هم‌چنین عرضه نظرات دو طرف رودررو گسترده‌ترین گستره‌های در دسترس بیننده عرب، توانسته است رسالت خود را عملی سازد و عرصه‌ای رقابتی در بین شبکه‌های ماهواره‌ای عربی ایجاد کند، چنان‌که می‌توان ادعا کرد ظهور شبکه الجزیره، روح تازه‌ای در کالبد بی‌جان اطلاع‌رسانی عربی دمیده است و این رسالت، فقط با حرکت به سوی مخاطب غربی، آن هم با بهره‌گیری از زبان و اسلوب مطلوب وی کامل می‌شود و این، گام بعدی شبکه الجزیره خواهد بود.

در حال حاضر گفت‌وگو و برقراری ارتباط با افکار عمومی غرب، ضرورتی انکارناپذیر است تا از طریق آن، حقایق موضوع‌مان را به آنان منتقل کنیم، ابراز هم‌دردی یا دست کم در آنان ضرورت اتخاذ موضعی بی‌طرفانه را در قبال معضلاتمان به‌وجود آوریم، زیرا رسانه‌های گروهی اسرائیل توانسته‌اند رسانه‌های گروهی غرب را با خود همراه سازند و در این راه از به‌کارگیری هیچ ابزاری فروگذاری نکرده‌اند. بدین‌گونه، جامعه اسرائیلی را به‌مثابه جامعه دموکراتیک محاط‌شده از سوی جوامعی دیکتاتورمآب و کوشا در نابودی آن معرفی کرده‌اند، تهمت انتساب به تروریسم را به مبارزان فلسطینی زده و آن را به‌منزله حکومتی لیبرال و غیر غاصب در افکار عمومی جای داده و در روند رسالت رسانه‌ای خود، تمامی ابزارهای قانونی و غیر قانونی مانند سینما، سریال‌ها و برنامه‌های مستند تلویزیونی را به خدمت گرفته‌اند.

#### راه‌های تأثیرگذاری رسانه‌های گروهی عرب بر افکار عمومی غرب

- ۱) باید مخاطب مورد نظر را در گفتمان رسانه‌ای مشخص کرد، مثلاً اقلیت عربی و اسلامی در مغرب زمین یا بینندگان غربی که طبعاً گزینه دوم مورد نظر است.
- ۲) باید افکار و ایده‌های خود را از طریق ابزارهای فنی متنوع نظیر برنامه‌های گفت‌وگو، فیلم‌های مستند، اخبار و تصاویر دراماتیک در معرض دید همگان قرار داد.
- ۳) برنامه‌ها باید در بالاترین سطح فنی و تکنولوژیک خود باشند و مورد پذیرش بیننده غربی قرار گیرد و توان رقابت با گونه‌های غربی خود را داشته باشد.
- ۴) جذب نیروهای رسانه‌ای هم‌فکر یا بی‌طرف در قبال مواضع ما، از میان نسل سوم عربی یا نسل بعد از آن، که در غرب اقامت دارند و دارای تجارب اطلاع‌رسانی هستند و براساس اسلوب و شیوه‌های اطلاع‌رسانی غربی پرورش یافته‌اند.
- ۵) در پایان پیشنهاد می‌کنم که برای ایجاد یک مرکز اطلاع‌رسانی کامل با هدف گفت‌وگو و برقراری ارتباط با افکار عمومی غربی و براساس اصولی تجاری و حمایت‌شده از سوی دولت‌های عربی و بخش‌های خصوصی به نسبت‌های متفاوت مادی، تصمیمی اتخاذ شود. این امر از هزینه‌کردن مبالغ هنگفت برای مراکز اطلاع‌رسانی ناتوان در انتقال گفتمان عربی به مخاطب غربی، در طی چندین سال گذشته، بسی بهتر خواهد بود. ■

این نشست‌ها موضوع قابل توجهی ندارند و حتی پایان کم‌دیدی دارند. مثلاً پس از حوادث یازده سپتامبر، وزیر اطلاع‌رسانی گرد هم آمدند و مبلغی معادل سه میلیون دلار را برای تبیین دیدگاه‌های عربی در آمریکا اختصاص دادند که این رقم حتی برای نصب یک تابلوی آگهی در خیابان‌های نیویورک کفایت نمی‌کند. اما روی کرد رسانه‌های غرب بر مبنای برنامه‌ریزی زود هنگام و پیش از موعد برای دستیابی به منابع داده‌ها و بررسی آن‌ها به‌گونه‌ای غیرمغزخانه استوار شده است، مانند آن‌چه پیش از آغاز عملیات نظامی علیه عراق، صورت گرفت.

فرماندهان نظامی آمریکا خودداری‌شان را از ضمانت جان خبرنگاران مستقر در عراق اعلام کردند و تنها تعهد خود را در قبال حفظ جان افراد ملحق‌شده به نیروهای نظامی این کشور مورد تأکید قرار دادند. این نکته حاکی از آن است که این افراد، حوادث و روی داده‌ها را بر مبنای یک دیدگاه کاملاً آمریکایی پوشش خواهند داد. با وجود این، برخی از خبرنگارانی که شبکه‌های خبری عربی، با رد این زورگویی‌ها و با شفافیت و استقلال کافی، این حوادث را پوشش دادند و به‌خاطر این امر تاوان سنگینی، چون از دست دادن جان برخی از خبرنگاران و عکاسان خود، پرداختند.

به‌منظور انتقال گفتمان رسانه‌ای ما به غرب و پیشرفته و به‌روز کردن مکانیسم رسانه‌ای عربی، اعتماد به متخصصان مجرب و نه کارمندان موقت، آزادی در کسب اطلاعات و اختصاص بودجه‌های کافی برای جذب بهترین سردبیران، مترجمان و گویندگان ضروری می‌نماید. هم‌چنین برای انتقال این گفتمان، باید تمامی ایده‌ها و اندیشه‌ها را با یک زبان رسانه‌ای قابل فهم برای مخاطب غربی گریزان از سنت‌گرایی ارائه دهیم.

آن‌چه ما در اختیار خود، از قبیل: «جناب رئیس‌جمهور یا پادشاه عالی‌قدر، افتتاح می‌کنند، بدرقه می‌کنند» داریم، در رسانه‌های غربی مشاهده نمی‌شود، زیرا در این رسانه‌ها اخبار برحسب اهمیتی